

\* تهران خود به تنها ۵۷٪ از کل دانشجویان و ۳۷٪ امکانات آموزش عالی کشور را به خود اختصاص داده است.

\* برای تمرکز دائی امکانات آموزش عالی باید ظرفیت موجود مراکز آموزشی در شهرهای بزرگ همچون تهران را ثابت نگاه داشت و از هر گونه ایجاد و توسعه و گسترش آنان جلوگیری بعمل آورد.

\* توزیع نامناسب مراکز آموزش عالی در کشور عوایقی همچون، ایجاد محرومیت شدید اقتصادی و عدم بهره‌برداری از امکانات و زمینه‌های بالقوه و بالفعل در هر منطقه، ایجاد و تشديد پدیده مهاجرت از نقاط محروم به مناطق دارای امکانات آموزش عالی، محرومیت بسیاری از اقسام و نیروهای مستعد مناطق محروم و نیازمند به امکانات تحصیلات عالی عوارض فرهنگی و ... را در پی خواهد داشت.

\* دانشکده پزشکی دانشگاه تهران دارای ۱۲ بیمارستان با ۳۰۷۳ تخت بیمارستانی و ۴۳۳ دکتر متخصص و عمومی می‌باشد در حالیکه در استان هرمزگان تنها یک مجتمع پرستاری با ظرفیت پذیرش ۴۰ دانشجو موجود است.

\* از مهمترین مسائلی که در برنامه‌ریزیهای توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورهای عقب نگهداشته شده باید مورد توجه مستولین و برنامه‌ریزان قرار گیرد، امر توزیع مناسب و عادلانه بینانهای اقتصادی - اجتماعی در نواحی مختلف کشور می‌باشد.

\* از جمله عوامل دیگری که در توزیع عادلانه مؤسسات آموزش عالی باید رعایت شود، درنظر گرفتن میزان جمعیت آن منطقه و ظرفیت مؤسسه آموزش عالی است.

\* تمرکز دائی تنها در زمینه مراکز آموزش عالی خلاصه نمی‌گردد بلکه باید تسامی مسئولان و برنامه‌ریزان در این امر بسیج شده و با یک برنامه‌ریزی صحیح و اصولی این پدیده که مشکلات عدیدهای را برای کشورمان ایجاد کرده از بین برد.



## نگاه

## توزیع امکانات

## آموزش عالی در

## سلطنه کشور

## و بیاندهای آن

مقدمه:

مقاله حاضر کوششی چند و مختصر پیرامون جگونگی تمرکز مرآکر آموزش عالی و توزیع امکانات دانشگاهی در سطوح مختلف کشور است که در تدوین آن چند هدف منظور شده است. نخست با ارائه آمار و ارقام نشان داده شده که بیشترین دانشجو و امکانات دانشگاهی اختصاص به چند شهر بزرگ منجمله تهران گردیده و دیگر پیامدهای ناشی از این نوع تمرکز از جنبه‌های گوناگون بررسی و همچنین طرح‌های عمرانی درزمهٔ احداث مرآکر آموزش عالی در پنجاهمین دوره که خود گوای نوعی تمرکز در چند شهر بزرگ می‌باشد، مورد بررسی واقع شده است با این حال مارا برای انتقاد و باور است که تنها توشن و گفتگو... کافی نیست بلکه در این زمینه باید تمامی مسئولین با پیچ امکانات خود با این بروخور نموده که حل این معضلات در گروه‌های مسئله است.

و توسعه موسسات تابعه و وابسته مسئله اساسی دیگر محرومیت مناطق از این امکانات می‌باشد، زیرا به هر ترتیب وجود موسسات آموزش عالی نشانه و یا مقدمه رفع بعضی از محرومیتها بشمار می‌آید.

متاسفانه رژیم گذشته به دلایل متعددی که عموماً ناشی از وابستگی بدون جون و چراش به نظام استعماری واستکباری جهانی و همچنین به دلیل اینکه گردانندگان نظام هدف اصلی واساسی‌شان غارت و چیاول منابع مادی این ملت محروم بود؟ بدینجهت سیاست‌هایشان در جهت ایجاد و گسترش و توزیع مرآکر آموزش عالی خط تعمیق وابستگی به سیستم غارت بین‌المللی را دنبال می‌کرد.

جدول شماره ۱ و ۲ که توزیع تعداد دانشجویان و موسسات آموزش عالی را در استانهای مختلف کشور در سال تحصیلی ۶۱-۶۲ نشان می‌دهد (که در واقع ارثه رژیم طاغوت می‌باشد) عمق سیاست‌های رژیم گذشته در ارتباط با توزیع غیر عادلانه بین‌المللی اقتصادی - اجتماعی در نواحی مختلف کشور می‌باشد چرا که عدم برنامه‌ریزی منطقی و غیر مناسب و ناعادلانه و همچنین عدم رعایت اولویتها در این خصوص یا نیل به اهداف برنامه‌های رشد و توسعه را به تأخیر می‌اندازد و یا اینکه اصولاً یا انحراف از سیاستها و اهداف کلی و با ایجاد ناهمانگی در برنامه‌های مرحله‌ای رشد و توسعه، حصول به آن اهداف و برنامه‌ها را غیرقابل دسترس می‌سازد. باتوجه به این مسئله و با عنایت به اهمیتی که مرآکر آموزش عالی به عنوان یکی از بنیانهای اقتصادی- اجتماعی در تامین اهداف و سیاست‌های کلی نظام دارد، باید ایجاد و گسترش آن بر طبق پیش‌بینی‌ها و برنامه‌ریزی‌های صحیحی باشد بطوریکه اولاً تامین کننده نوع و میزان تخصص‌های موردنیاز باشد و ثانیاً بصورتی عادلانه در کل کشور توزیع گردد. البته توزیع عادلانه این موسسات و مرآکر، مستلزم رعایت نکاتی چند می‌باشد مانند: رعایت نوع تخصص‌هایی که موسسه آموزش عالی تربیت می‌نماید با شرایط خاص اقتصادی- اجتماعی هر منطقه، بدین مفهوم که در یک منطقه کاملاً مستعد برای کشاورزی، دانشکده‌هایی که نیازهای تخصصی کشاورزی و صنایع وابسته به آن را تأمین می‌کنند، تأمین شود. و همچنین در مناطقی که در سیاستها و برنامه‌ریزی‌ها به عنوان مرکز صنعتی شناخته شده‌اند، مرآکر آموزش عالی که تخصص‌های موردنیاز آن صنایع را تربیت می‌نمایند، تأمین و ایجاد گردند. از جمله عوامل دیگری که در توزیع عادلانه موسسات آموزش عالی باید رعایت شود، در نظر گرفتن میزان جمعیت آن منطقه و ظرفیت موسسه آموزش عالی است زیرا موسسه آموزش عالی بسر روی رشد جمعیت مناطق اثر دارد و می‌تواند تراکم جمعیت (مانند تهران) بوجود آورد- همچنین بررسی امکانات لازم جهت ایجاد

جدول شماره ۱: توزیع دانشجویان موسسات آموزش عالی به تفکیک استانهای کشور در سال تحصیلی ۶۱-۶۲ به نقل از نشریه واحد تحقیقات و برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی

ردیف	نام استان	تعداد دانشجویان	درصد
۱	تهران	۷۲۵۹۶	۵۷/۵
۲	اصفهان	۱۰۰۴۱	۸/۵۷
۳	خراسان	۷۵۳۰	۶/۴۳
۴	آذربایجان شرقی	۷۱۹۴	۵/۲۹
۵	فارس	۶۰۳۸	۵۸/۵
۶	باختران	۴۳۱۷	۳/۶۹
۷	خوزستان	۴۱۵۱	۳/۵۵
۸	کرمان	۲۰۴۴	۱/۷۴
۹	سیستان و بلوچستان	۱۳۱۹	۱/۱۲
۱۰	مازندران	۱۲۹۳	۱/۱۰
۱۱	مرکزی	۱۲۳۵	۱/۱۰
۱۲	آذربایجان غربی	۱۱۱۵	%۹۵
۱۳	زنجان	۸۹۵	%۷۶
۱۴	گیلان	۷۷۷	%۶۶
۱۵	بزد	۷۱۹	%۶۱
۱۶	کردستان-	۶۷۳	%۵۸
۱۷	سمنان	۶۴۳	%۴۳
۱۸	همدان	۴۲۹	%۳۷
۱۹	لرستان	۱۲۳	%۱۰
۲۰	چهارمحال و بختیاری	۱۱۸	%۱۰
۲۱	ایلام	۷۹	%۷

دریغ می‌دارد و هم عامل ایجاد بحرانهای اقتصادی- اجتماعی مانند: پدیده مهاجرت با تمام عوارض و نابسامانهایش می‌گردد.

بررسی ماهیت ارقام ارائه شده در جداول شماره ۱ و ۲ جنبه‌های دیگر توزیع ناصحیح مؤسسه آموزش عالی در سطح کشور را مشخص می‌کند. درابتدا گفته شد که توزیع اینگونه مؤسسه‌های می‌باشد منطبق با شرایط خاص اقتصادی- اجتماعی هر منطقه و سیاستهای توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور باشد ولی توزیع این مؤسسه‌های عملای اینگونه نیست. بنوای مثال: در حالیکه در سطح شهر تهران چند مؤسسه عظیم آموزش عالی مرتبط با بخش صنعتی با ظرفیت پذیرش دانشجوی بالا ایجاد شده و گسترش یافته مانند: دانشگاه صنعتی شریف، چندین دانشکده دانشگاه تهران، دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی‌تکنیک) و دانشگاه علم و صنعت که تعداد دانشجو و درنتیجه فارغ‌التحصیل هریک از این دانشگاه‌ها خیلی بیشتر از مجموع دانشجویان هریک از بسیاری از استانهای کشور می‌باشد. ولی در شهر اراک که به عنوان یکی از قطب‌های مهم صنعتی کشور شناخته شده و برنامه‌ریزی‌ها نیز درجهت توسعه آن می‌باشد تنها یک مؤسسه آموزش عالی با ظرفیت پذیرش ۶۵ دانشجو وجود دارد و قابل توجه اینکه این تنها مؤسسه آموزش عالی نیز، تخصصی را که ارائه می‌دهد اصلاً ارتباطی با بخش صنعت ندارد (دبیری شیمی، دبیری زیست‌شناسی و دبیری ادبیات فارسی).

این توزیع نامناسب و تمرکز شدید مؤسسه‌های آموزش عالی البته اثرات و عوارض نامطلوبی را بر مجموعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه وارد آورده که اجمالاً به آن اشاره می‌شود:

۱- ایجاد محرومیت شدید اقتصادی و عدم بهره‌برداری از امکانات و زمینه‌های بالفعل و بالقوه توسعه اقتصادی در هر منطقه بدین شکل که تمرکز شدید دریک نقطه و محرومیت وجود فی‌المثل یک مؤسسه آموزش عالی کشاورزی دریک منطقه مستعد کشاورزی اول: موجب عدم بهره‌برداری از امکانات کشاورزی خاص آن منطقه شده که خود اثرات بسیاری در محرومیت اقتصادی آن ناحیه به جای خواهد گذاشت. ثانیاً: ایجاد عدم هماهنگی در برنامه‌های رشد و توسعه، ورود به برنامه‌های پیش‌بینی شده برای دستیابی به استقلال و خودکفایی را با مشکل مواجه ساخته و حتی غیر ممکن می‌سازد.

۲- ایجاد و تشید پدیده مهاجرت از نقاط محروم به مناطق و مراکزی که امکانات آموزش عالی را در خود متمرکز ساخته‌اند و مسلم است که این مهاجرتها خود دارای عوارضی به شرح زیر می‌باشند:

الف- گسترش نامعقول شهرهای بزرگ و از

ردیف	نام استان	موسسات آموزش عالی	درصد
۱	تهران	۴۰	۳۷
۲	اصفهان	۷	۶/۵
۳	خراسان	۷	۶/۵
۴	آذربایجان شرقی	۶	۵/۵
۵	یزد	۵	۴/۵
۶	مازندران	۵	۴/۵
۷	سیستان و بلوچستان	۴	۳/۵
۸	فارس	۵	۴/۵
۹	کرمان	۴	۳/۵
۱۰	سمانان	۴	۳/۵
۱۱	باختران	۴	۳/۵
۱۲	خوزستان	۳	۲/۵
۱۳	گیلان	۳	۲/۵
۱۴	همدان	۳	۲/۵
۱۵	لرستان	۲	۲
۱۶	آذربایجان غربی	۲	۲
۱۷	زنجان	۲	۲
۱۸	هرمزگان	۱	۱
۱۹	مرکزی	۱	۱
جمع			۱۰۸
٪۱۰۰			

پاورپوینت: قابل توجه است که در این جدول دانشگاه تهران با ۱۴۷۰۴ دانشجو، یک واحد و مجتمع پرستاری بذریعه، با ۴ دانشجو نیز یک واحد محاسبه شده است.

جدول شماره ۲- توزیع مؤسسه‌های آموزش عالی به نقل از دفترچه راهنمای امتحانات تشریحی وزارت فرهنگ و آموزش عالی در مردادماه سال ۶۲

دکتر متخصص و عمومی می‌باشد و این ارقام بیانگر تمرکز شدید مؤسسه‌های آموزش عالی و تاسیسات و امکانات تابعه در سطح تهران می‌باشد که از یکطرف عامل اساسی در جذب جمعیت‌ها و پذیرش مهاجرین مناطق محروم و بطور سلسه‌وار و ایجاد امکانات شهر نهشتنی و رفاهی لازم برای آنها و بالطبع ایجاد مشکلات اساسی و دست و پاگیر و بحرانهای اقتصادی- اجتماعی می‌باشد از طرف دیگر تمرکز این همه مؤسسه‌های آموزش عالی و مزومات آن دریک استان خود علت و عاملی اساسی برایجاد محرومیت در سایر مناطق کشور و در نتیجه، ایجاد معضل و مشکل اقتصادی اجتماعی در کشور می‌باشد. چراکه تمرکز ۵۷/۵٪ از دانشجویان کل کشور دریک استان (استان تهران) هم امکانات رشد و توسعه را (باتوجه به محدودیتهای مالی و نیروی انسانی لازم جهت تاسیس مؤسسه‌های آموزش عالی) را از اکثر مناطق کشور

آموزش عالی که در سطح استان تهران وجود دارد دانشگاه تهران می‌باشد که در سال مورد بررسی مجموعاً ظرفیت پذیرش ۱۴۷۰۴ دانشجو را داشته است در حالیکه مؤسسه آموزش عالی مورد بحث در استان هرمزگان تنها یک مجتمع پرستاری با ظرفیت پذیرش ۴ دانشجو بوده است. بنابراین با این مقابله تعداد دانشجویان یکی از ۳۶۸ موسسه آموزش عالی در تهران (دانشگاه تهران) برابر تنها موسسه آموزش عالی استان هرمزگان می‌باشد. از سوی دیگر مسئله مؤسسه‌های سازمانهای تابعه وابسته می‌باشد.

به عنوان مثال: دانشگاه تهران جماعت دارای ۱۷ دانشکده می‌باشد که تخصص‌های مختلف را تربیت می‌کند. و یکی از این دانشکده‌ها، دانشکده پزشکی دانشگاه تهران می‌باشد که مؤسسه‌های سازمانهای وابسته به آن شامل ۱۲ بیمارستان با ۳۰۷۳ تخت بیمارستانی و ۴۳۳

پکس تو مرکز امکانات رفاهی و شهری در آنها محرومیت سایر مناطق و از سوی دیگر ایجاد بحران به علت عدم توانائی در فراهم آوردن امکانات لازم برای شهروندان. ب جذب و تسليم دانشجو در مقابل ظواهر و امکانات رفاهی زندگی شهری و تصمیم به اقامت دائم در شهر، ج رعایت محرومیت مناطق محروم از امکانات تخصصی نیز راهی تحقیقاتی کرد و دانشگاهی به لحاظ جذب آنها در شهرهای بزرگ و دانشگاهی.

۳- محرومیت بسیاری از اقشار و نیروهای مستعد مناطق محروم و نیازمند از امکانات تحصیلات عالیه که دسترسی به این امکانات ندارند.

۴- عوارض فرهنگی، چرا که وجود مراکز آموزش عالی در یک جامعه عاملی اساسی در جهت رشد و تقویت آگاهیهای سیاسی اجتماعی و زدودن آثار و عوارض فرهنگیهای ناصحیح می‌تواند باشد و بدین لحاظ عدم وجود چنین مراکزی در مناطق محروم خود عنی دیگر می‌شود بر تشدید یک بعد دیگر از محرومیت در این مناطق یعنی محرومیت فرهنگی.

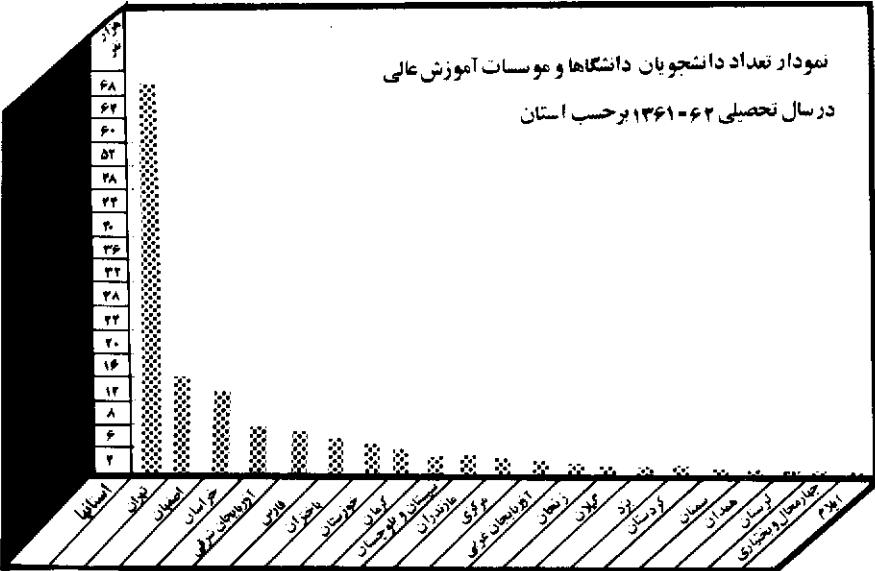
### طرحهای عمرانی آموزش عالی در برنامه اول توسعه

تدوین برنامه توسعه مراکز آموزش عالی در پنج سال آینده یکی از اساسی ترین کارها برای نظام برنامه ریزی کشورمان محسوب می‌شود. در این رابطه، در بخش دوم طرحهای عمرانی آموزش عالی در برنامه اول توسعه (۶۱-۶۶) وزارت فرهنگ و آموزش عالی که شامل: (ایجاد، تکمیل و توسعه مراکز آموزش عالی و همچنین اعتبار موردنیاز هر طرح به تفکیک استانها در نظر گرفته شده است. بدین صورت که کل استانهای کشورمان به ۹ منطقه تقسیم شده و هر منطقه شامل چند استان می‌باشد. مثلاً منطقه ۱ که در شمال غربی واقع است شامل استانهای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و زنجان می‌باشد و یا منطقه ۲ (شمال) استانهای گیلان و مازندران را در بر میگیرد و در این بخش رشته‌های مختلف تحصیل از قبیل: پزشکی، فسی و مهندسی، کشاورزی، علوم پایه، علوم اجتماعی انسانی و هنر و زیر بنائی کمک آموزشی رفاهی و جود دارد که برای هر کدام از رشته‌های ذکر شده، به عنوان طرح یا طبقه‌بندی طرح که نشان دهنده نوع طرح عمرانی همانند: ایجاد، تکمیل، توسعه و تعمیر مراکز آموزش عالی در کل مناطق و استانهای کشور می‌باشد، پرداخته شده و همچنین اعتبار موردنیاز هر یک از بخش‌های فوق نیز در نظر گرفته شده است که بصورت جدولی در ذیل می‌آوریم:

جدول شماره ۳- بخش دوم طرحهای عمرانی آموزش عالی در برنامه اول توسعه (۶۱-۶۶)  
وزارت فرهنگ و آموزش عالی

طرحهای عمرانی آموزش عالی در برنامه اول توسعه ۶۱-۶۶

منطقه	نام استان	طبقه‌بندی طرحها	درصد	اعتبارات آموزش عالی (مصوب) (میلیون ریال)	درصد	درصد
۱ شمال غربی	آذربایجان شرقی	۱۸	۱۸	۲۰۵۸۵	۷/۵	۸
	آذربایجان غربی	۱۳				
	زنجان	۱۰				
۲ شمال	مازندران	۸	۱۲	۱۱۶۲۰	۹/۵	۸
	گیلان	۷				
۳ شرق	خراسان	۲۳	۱۲	۱۱۷۲۳	۹/۵	۹/۵
	سمنان	۴				
۴ جنوب	کرمان	۱۹	۱۱/۵	۱۳۳۹۷	۱۱	۹
	سیستان و بلوچستان	۷				
	فارس	۱۹				
	بوشهر	۲				
۵ جنوب	کهکلویه	۲	۱۱/۵	۱۱۵۰۳	۹	۹
	هرمزگان	۳				
	ایلام	۳				
	لرستان	۵				
۶ جنوب غربی	خوزستان	۱۴	۹	۱۷۳۱۵	۱۴	۷/۵
	باختیان	۶				
	همدان	۸				
	کردستان	۵				
۷ غرب	مرکزی	۲	۱۴	۱۵۰۶۵	۱۲	۷/۵
	یزد	۵				
	چهارمحال و بختیاری	۳				
	اصفهان	۲۵				
۸ مرکزی	تهران	۱۲	۵	۹۲۳۰	۷/۵	۱۰۰
	جمع	-				



شرایط جذب نیروی دانشجو و استاد را نیز برای آن مناطق فراهم نمود. یکی از اساسی‌ترین کارهای که میتواند در جذب اساتید به مقاطع محروم و دور افتاده موثر واقع گردد، احداث و ایجاد مراکز تحقیقاتی و کتابخانه‌ها در آن مناطق میباشد، متناسبه اغلب این مراکز در شهرهای بزرگ منجمنه در تهران متوجه است بطوریکه از ۷۲ واحد مؤسسات تحقیقاتی در سراسر کشور (تعداد ۳۹ موسسه وابسته به وزارت فرهنگ آموزش عالی و ۳۳ موسسه وابسته به سایر وزارت‌خانه‌ها میباشد) تعداد ۵۵ موسسه (۷۶ درصد) در شهر تهران و بقیه در شهرستانهای دیگر قرار دارند.<sup>(۱)</sup>

یکی دیگر از مواردی که در تسريع آهنگ تمرکز زدایی از شهر تهران و سایر شهرهای بزرگ کشورمان میتواند موثر واقع شود، تمرکز زدایی مشاغل میباشد بدین معنی که اغلب مشاغل موجود در کشور مختص به چند شهر بزرگ گردیده و از آنجا میباشد در حالیکه در مرکز آموزشی نیز در این شهرها متوجه کند، اکثر دانشجویان پس از فارغ‌التحصیل شدن در این شهرها مشغول به کار میشوند. با مراعجه به آمارهایی که در این زمینه وجود دارد مطلب بیشتر روشن میگردد بطوریکه: از کل ۵۸۸۰ کارگاه صنعتی ۲۷۹۶ کارگاه با ۲۱۰ هزار کارگر در تهران و ۴۴۵۰ درصد کارگران و کارمندان صنایع در تهران هستند.<sup>۲</sup> در سال ۱۳۶۰ از مجموع ۷۲۸۰ نفر از بیشکان متخصص کشور، ۴۵۳۴ پزشک (۶۲ درصد) در تهران مشغول کار (۲) بودند.<sup>(۳)</sup>

باتوجه به ارقام فوق مشاهده میگردد که اغلب مشاغل در تهران متوجه هستند و عملاً موجب جذب نیروهای دانشجویی که از شهرهای مختلف کشورمان برای تحصیل به تهران آمده‌اند شده است.

در خاتمه یک نکته را باید مذکور شد و آن اینکه تمرکز زدایی تنها در زمینه مرکز آموزش عالی خلاصه نمیگردد بلکه باید تمامی مشغولات و برنامه‌یازان در این امر بسیج شده و با یک برنامه‌ریزی صحیح و اصولی این پدیده که مشکلات عدیدهای را برای کشورمان ایجاد کرده و روزانه ضایعات فراوانی تحمیل می‌نماید از بین برده و هرچه سریعتر به استقلال و خودکفایی در زمینه‌های مختلف بخصوص خودکفایی در زمینه نیروی انسانی متخصص نائل شویم.

#### پاورفی:

- (۱) برنامه اول توسعه، بخش‌های اجتماعی، جلد سوم، فصل بیستم
- (۲) اولین سمینار بررسی مسائل روستائی چاپ اول تهران جهاد سازندگی ۱۳۶۲
- (۳) همان مأخذ



اینکه تهران باوجود امکانات آموزشی و رفاهی زیادی که دارا میباشد از نظر اعتبار مورد نیاز تقریباً با این دو استان مساوی است (تهران ۹۲۳۰ میلیون یعنی ۷/۵ درصد و استانهای گیلان و مازندران با اعتبار ۹۹۷۴ میلیون ریال یعنی ۸ درصد از کل کشور را بخود اختصاص داده‌اند) با مقایسه‌ای دیگر مشخص میشود که مجموع اعتبارات مصوب تهران ۹۲۳۰ میلیون ریال از مجموع اعتبارات مصوب استانهای کهکیلویه و بویراحمد، بوشهر، مرکزی، چهارمحال و بختیاری، ایلام و سمنان با اعتبار مجموع ۸۹۰۷ میلیون ریال بیشتر میباشد یک نکته قابل توجه دیگر تخصیص این طرحها و اعتبارات مربوطه در داخل استانها میباشد بطوریکه در حد بالای این اعتبارات و طرحها اختصاص به مرکز استان داده شده است مثلاً از مجموع ۱۰۳۹۰ میلیون ریال اعتبارات استان خراسان بجز ۱۲۰۰ میلیون ریال که جهت طرحهای آموزش عالی از شهرستان بسیارند و ۳۰۰ میلیون ریال صرف ایجاد آموزشکده کشاورزی در شیروان میگردد ما یقین تماماً به مشهد تخصیص یافته است که نتیجه این امر تمرکز شدید در مرکز استان و ایجاد مشکلات تابعه و همچنین تداوم محرومیت در سایر نقاط استان میباشد. اینه این مسئله در اکثر استانهای کشور عمومیت دارد چنانچه از ۸/۵ میلیون ریال اعتبارات استان اصفهان تنها ۹۰۰ میلیون ریال جهت شهر کاشان و از ۷۹۱۱ میلیون ریال اعتبارات ایجاد و توسعه مراکز آموزش عالی در کرمان تنها ۶۰۰ میلیون ریال جهت شهرستان جیرفت در نظر گرفته شده است.

تهران که به تنها ی حدوه نیمی از امکانات آموزشی را به خود اختصاص داده در طرحهای عمرانی دارای ۱۲ رشته‌های مورد نظر بوده مانند: توسعه آموزشکده کشاورزی مازندران، تکمیل مجتمع آموزش پژوهشی بهداری، تجهیز دانشکده و مجمعه‌های فنی و مهندسی، تکمیل تأسیسات ورزشی دانشگاه‌های تهران و... با اعتبار مورد نیاز (مصور) ۹۲۳۰ میلیون ریال (۷/۵ درصد) میباشد، در حالیکه در منطقه ۲ (شمال) که استانهای گیلان و مازندران میباشد و از نظر بازده‌هی محصولات کشاورزی همانند: برنج، پنبه که در اقتصاد کشور نقش بسزایی دارند، دارای ۱۵ طرح عمرانی میباشند. به این صورت که از مجموعه ۸ طرح در استان مازندران ۲ طرح ایجاد که شامل ایجاد آموزشکده پژوهشکی و ایجاد آموزشکده منابع طبیعی (در گرگان) و بقیه طرحهای تکمیلی و توسعه میباشد و با اعتبار ۴۳۷۲ مکیلیون ریال (یعنی کمتر از نصف اعتبار موردنیاز تهران) در نظر گرفته شده و همچنین در استان گیلان از مجموعه ۷ طرح عمرانی تنها یک طرح ایجاد دانشکده پژوهشکی و با اعتبار ۴۳۰۳ میلیون ریال (کمتر از نصف تهران) در نظر گرفته شده است. آنچه از ارقام فوق نتیجه گیری میشود

## چگونگی تمرکز زدایی مراکز آموزش عالی

برای زدودن تمرکز امکانات مراکز آموزش عالی در وهله اول باید ظرفیت موجود دانشگاهها و بطور کنی مراکز آموزشی در شهرهای بزرگ همچون تهران متوجه کند، ثابت مانده و از هر گونه ایجاد و توسعه و گشترش در شهرهای ذکر شده جلوگیری بعمل آید و متفاوتاً این نوع امکانات به نقاط محروم و دارای استعدادهای بالقوه و بالغفل اختصاص داده شود، از سوی دیگر باید زمینه و